

قرآن اسرار حضور خداوند در عالم را بر روی ما باز می‌کند از آن جهت که هماهنگ تکوین عالم است.

شماره پرسش: ۳۰۵۸۳

تاریخ ارسال پرسش: ۱۴۰۰/۱/۲ ۰۵:۳۶:۲۱

متن پرسش

با سلام و تبریک سال نو خدمت استاد اصغر طاهرزاده: اگر ممکن است جوابی به این شبهه بفرمایید! چرا از لحظه ای که بشر توانست حوادث را ثبت و ضبط کند دیگر نه عصایی مار شد، نه دریا شکافت، نه ماه دو نیم شد، نه مرده ای زنده شد، نه انسانی در دل ماهی رفت، نه شتری از دل کوه آمد، نه آتش گلستان شد، نه کسی با حیوانات سخن گفت و نه پیامبری ظهور کرد!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحث در متعالی شدن بشر است از ساحت حس به ساحت فهم. لذا خداوند از مرحله‌ای به بعد با فهم انسان‌ها با انسان‌ها سخن می‌گوید و گفتم آسمانی را به میان می‌آورد.

در راستای آیه‌ی ۷ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ ۚ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ.» چندین سؤال پیش خواهد آمد که اولاً: چرا باید قرآن، آیات متشابه داشته باشد و ثانیاً: جایگاه تأویل آیات به چه معناست و ثالثاً: چرا آن‌هایی که زیغ و انحراف قلبی دارند می‌توانند از آیات متشابه سوء استفاده کنند؟ جهت جوابگویی به این نوع سؤالات و در رابطه با عظمت زبان قرآن نسبت به استعداد تأویلی و متشابه‌بودن آیات، نکات زیر مد نظر عزیزان قرار می‌گیرد.

۱. قرآن از یک حقیقت واحدی صادر شده و به همین جهت تمام آیات آن دارای پیوستگی هستند. مشکل آن‌هایی که در قلب‌هایشان زیغ است آن است که کلام خدا را با کلام مردم عادی مقایسه می‌کنند و سعی در توجه ابعاد متعالی کلام خدا ندارد.

۲. آن «الله» که جامع کمالات است در قرآن با ما سخن می‌گوید و در سخنان خود، خود را به ما نشان می‌دهد. اگر او را بشناسیم می‌توانیم به سخن او گوش فرا دهیم. قرآن، کلام خدایی است که به سخن آمده و برای ما در کتابش آشکار می‌گردد. باید بتوانیم از طریق قرآن در حضور خدایی قرار بگیریم که با ما سخن می‌گوید. امام صادق «علیه السلام» در همین رابطه می‌فرماید: «لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِحَلْقِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لَكِنَّهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» (بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۰۷). بدرستی که خداوند در کلام خود برای بندگان

خود تجلی کرده است و لی آنها نمی بینند.

۳. قرآن اسرار حضور خداوند در عالم را بر روی ما باز می‌کند از آن جهت که هماهنگ تکوین عالم است. یعنی از یک جهت حضور خدا در عالم و از جهت دیگر حضور خدا در کلام او به میان آمده است و با توجه به این که هرکس در کلامش حاضر می‌شود، خداوند در قرآن ظاهر شده آن هم در عین هم‌زبانی با انسان‌ها برای آن که قدرت درست‌دیدن را به انسان‌ها عطا کند. در همین رابطه خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء/۱۰) حقیقتاً کتابی را برای شما نازل کردیم که در آن به فکر و یاد شما بودیم، آیا در این مورد فکر کرده‌اید؟

۴. قرآن همان «بودن» خدا در عالم است، به همان اندازه که برای دین خدا در مظاهر باید «وجودبین» شد [۱] و از محدوده‌ی ماهیات عبور کرد، به همان اندازه باید با تدبّر در قرآن و نگاه وحدت‌نگر یعنی تمامیتی معنادار، خدا را در قرآن دید.

۵. برای شنیدن کلامی این‌چنین گسترده که خدا را می‌نمایاند، باید گشودگی لازم را در خود ایجاد کنیم و خود را از تنگناهای سوء فهم و سوء اخلاق آزاد نماییم و گرنه سخن گسترده‌ی خدا را در شخصیت تنگ خود اسیر می‌کنیم، و این است معنای تفسیر به رأی.

۶. برای گوش سپردن به سخن خدا لازم است ابتدا به «خود» گوش فرا دهیم تا بیابیم فطرت ما چه چیزی را طلب می‌کند و با این گشایش اولیه می‌توان به سراغ خدا رفت و از ضیق قلبی آزاد شد. شنیدن سخن خدا با گوش فطرت ممکن است و آن تنها گوش‌ی است که همواره در مقابل سخن خدا گشوده است. مگر نه آن است که تنها کسی که می‌فهمد گوش فرا دهد؟

موفق باشید

[۱] - «وجودبینی» به همان معنا است که انسان‌ها در عهد اُلت آن‌گاه که حضرت ربّ العالمین فرمودند: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» آیا من پروردگار شما نیستم؟ و بشریت در آینه‌ی مظاهری که نمایشگر ربوبیت حضرت ربّ بود، ربوبیت او را دید و عرض کرد: «بَلَىٰ شَهِدْنَا» آری می‌بینم. و واقعاً نوعی رؤیت در صحنه بود. در حالی که اگر بحث ذات حضرت حق در میان بود، ذات قابل رؤیت نیست و «وجودبینی» به همین معنا است.